

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

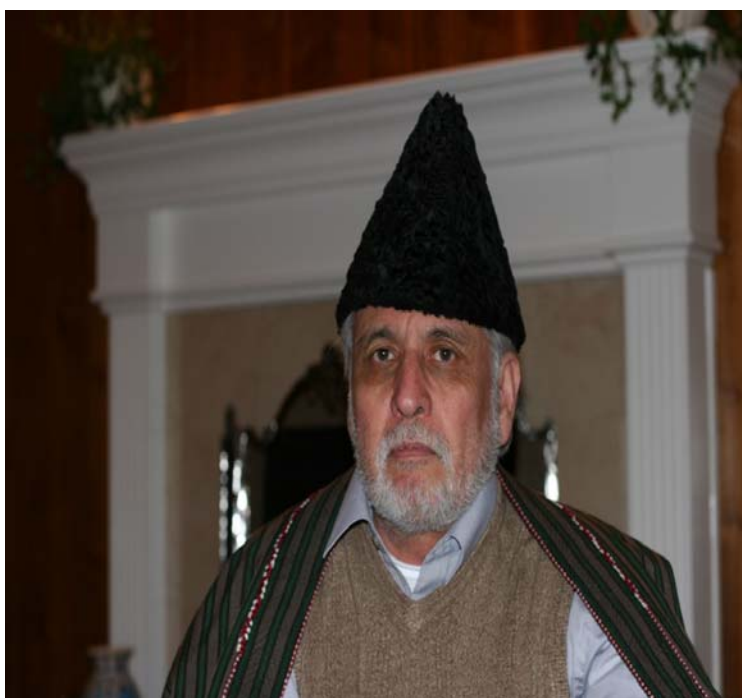
[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

سید موسی عثمان هستی

۲۸.۱۲.۰۹



اگر بینی که نا بینا و چاه است

اگر خاموش بنشیند گناه است

## کورخودبینای مردم

هر که پا کج مینهد خون دل مامیخوریم

شیشه ناموس عالم در بغل داریم ما

خدمت شما خوانندگان عزیز باید عرض نمایم که من نه خانم روزبه را از نزدیک می شناسم و نه هم آقای  
آبرومندرا. بنابراین نه به خانم روزبه کدام علاقه و پیوند خاص دارم و نه هم کدام کدورتی بین من و آقای آبرومند و

جود داشته است. به علاوه باید بگویم که در بسیاری مطالب با خانم روزبه نه تنها هم عقیده نیستیم بلکه به شدت مخالف ایشان می باشم به همین قسم مناسبات من و آقای آبرومند می تواند باشد.

این مقدمه را به خاطری نوشتم که موضع گیری های بعدی من دفاع از دوست و رویارویی با دشمن تلقی نگردد، چه برای من هر دونفر شان دو افغانی اند که قلم به دست گرفته و از آن طریق می خواهند یا به مردم خدمت نمایند و یا هم اینکه زیر نام خدمت به مردم جیب خودشان را پر نمایند. که در این قسمت هم چشم تنگ نیستیم و هم می دانم که "هرکس دهلک می زند برای گولک خود می زند" و یا به گفته عوام "هیچ پزشکی محض رضای خدا موش نمی گیرد" در نتیجه این حق آنهاست که پول پیدا کنند و یا در خدمت از خود و بیگانه قرار گیرند. منتها به کار خوب آفرین خواهند گرفت و به کار بد و خدمت به بیگانه لعن و نفرت تاریخ را کمائی خواهند نمود.

موضعی که من خواستم در مسأله مداخله نمایم، استفاده ابزاری از دین با بیرون کشیدن شمشیر زنگ زده ملاحضاتی، ملا سیاف، ملاربانی و ملا گلبدین از غلاف جهالت قرون وسطائی و حواله کردن آن به گردن این و آن است.

من به این کار ندارم که چه کسی مسلمان است و چه کسی بیدین. به این هم کار ندارم که خود را موظف بدانم تا مردم را دین دار بسازم. یعنی کاری را که خدا خود نخواسته و یا نتوانسته و به پیغمبر هم این را نه یک بار که ده ها بار گوشزد نموده، من انجام دهم. یا به عبارت دیگر قدرت خود را از قادر متعال نیز بالاتر بدانم. آنچه مورد نظر من است و تا حالا بار بار کوشیده ام آنرا به گوش دیگران برسانم، مبارزه همه جانبه علیه اسلام پناهی و استفاده از اسلحه تکفیر است.

من سالهاست مخالف کسانی هستم که از دین و مذهب و خداپرستی سوء استفاده می کنند و به نام مسلمان آیت و حدیث می گویند و دیگران را با آیت قرآن و بیخبر از اینکه حدیث بعد از پنجاه سال از فوت حضرت محمد (ص) بار اول توسط امام بخاری جمع آوری شده و گذشت ۵۰۰ سال به آنها رنگ و بوی خود را داده است، و امروز با گفتن آن حدیث ها می خواهیم دیگران را در جهان آزاد خفه کنیم و خود را نایب خدا و رسول سازیم از دین اسلام دفاع کنیم خدایی که ما می گوئیم از رگ انسان به یک شخص نزدیکتر و با خبر تر است و وقتی لازم بداند خود می تواند از دین خود دفاع کند این که نمی کند یا نمی خواهد "اصل اختیار" و یا نمی تواند آن کار را انجام دهد. ما که مسلمان هستیم و ایمان داریم که خداوند از رگ جان نزدیک تر و باخبر تر است پس بر بندگان چه حاجت که پاچه هرکس را گرفته با چماق تکفیر بر فرق این و آن فرود بیاورند. البته هستند کسانی که این مداخله ها را زیر عنوان وظیفه دینی می پوشانند، این بیچاره ها باید بدانند که خدا وقتی به پیغمبرش امر نکرده باشد تا مردم را به زور و یا اهانت به اسلام دعوت نماید، اینها هم چنین وظیفه ای را ندارند، مگر اینکه ادعای پیغمبری داشته باشند.

بدبختی ما وقتی شروع می شود که خلاف دیگر مردم در عوض آنکه از تکنالوجی استفاده مثبت نمائیم، برای پر کردن جیب و ارضای عقده های حقارت از همه اولتر به فکر استفاده منفی می افتیم. یک تعداد سایت ها هم که به راستی چیزی برای گفتن ندارند هر آشغالی را به نشر می رسانند تا صفحه شان خالی نماند، خدا انصاف بدهد گردانندگان پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" را که با تهیه منظم مطالب و تاریخ زدن آنها برای همه درد سر شده و دیگران را مجبور می سازند تا نخوانده دسته هر تبری بگردند.

اینک مطلبی را که دیگران به آن شعر می گویند تقدیم میدارم. هر کس آن را نقد می کند، اختیار کامل دارد، مگر ببینم چه کسی چماق تکفیر را علیه من به کار می بندد:

من سه و نیم دهه شده

که در دشت صحرا کوه شهروده و قریه

بدنبال خدا سرگردانم

در سه ونیم دهه هرروز

عاشق و ارمی گریم

مشت بر سرمیکویم

مثلیکه گمشده من

در آسمانها مشغول ساختن دنیای دیگری است

مرا اگر به چماق تکفیر دین فروشان و تاجران دین نزنید

اگر بی دین و بی خدایم نه پندارید

اگر از خیابان اسلام دورم نکنید

و بی خبر از ادیان سماوی و قرانم تکفیر نکنید

خدا در این سه ونیم ده در کجا است ؟

که بجایش از داوودتا کرزی بنده داری می کند

اگر حکمت این است جنایت چه است ؟

اگر قضاوت در حق ملت من این است عدالت چه است؟

من در خم و پیچ کوچه های فکریم حق ندارم بخاطر

آگاهی ذهنی ام که دور از عالم خربیت شوم

مانند

خواجه عبدالله انصار یخن خدا را به بهانه مناجات گیرم

ولی آن اشتباه که خواجه عبدالله انصاری کرده

من

در قرن بیست و یک نمی کنم

خران عصرما بیشتر از خران عصرخواجه می باشد

نه خود خدا شناختن و نه معتقد به خداشناسی دیگران اند

پس قیام و جهاد در برابر جاهل بزرگ ترین عبادت الهی است

به شرطیکه در طومار لفافه گورگره نخورده باشد

و بتواند خران را بی هراس "خرفام" کند

(هستی)